

۱ - ضرورت و حکمت ظهور مظاهر الهیّه در این عالم

از حضرت بهاءالله در لوحی است قوله الاعلی کینونت و حقیقت هر شیئی را باسی از اسماء تجلی نمود و بصفتی از صفات اشراق فرمود مگر انسان را که مظهر گل اسماء و صفات و مرآت کینونت خود قرار فرمود و باین فضل عظیم و مرحمت قدیم اختصاص نمود و لکن این تجلیات انوار صبح هدایت و اشراقات انوار شمس عنایت در حقیقت انسان مستور و محجوب است چنانچه شعله و اشعه وانوار در حقیقت شمع و سراج مستور است و تابش درخشش آفتاب جهانتاب در مرایا و مجالی که از زنگ و غبار و شؤونات بشری تیره و مظلّم گشته مخفی و مهجور است حال این شمع و سراج را فروزنده باید و این مرایا و مجالی را صیقل دهنده شاید و واضح است که تا ناری مشتعل ظاهر نشود هرگز سراج نیفروزد و تا آینه از زنگ و غبار ممتاز نگردد صورت و مثال و تجلی و اشراق شمس بی امس در او منطبع نشود ...